



صاحب‌نظران و فعالان حوزه فیلمسازی بر وجود آشفته‌گی در عرصه‌های مختلف حوزه نمایش خانگی اتفاق نظر دارند

## پایان تشویش در سیاست‌گذاری آغاز تنظیم‌گری در نمایش خانگی

فرهنگ

فاطمه ترکانشوند

خبرنگار



عبدالکریم خیامی، استاد دانشگاه:

اساساً ما با فناوری‌های نوپدید می‌توانیم مواجه هستیم، با روابط تولیدی، اقتصاد جدید،

گردش کار و مصرف رسانه‌ای جدیدی روبه‌رو هستیم که برای همه تازگی دارد، چه حاکمیت، چه کاربران و چه صاحبان این کسب‌وکارها، همگی وارد فضای جدیدی شدند

و اگر بخواهیم صحنه را

توصیف کنیم، فضای همه

این بخش‌ها را باید باهم

بینیم، کم‌تجربگی همه بخش‌ها

را باید باهم

ببینیم، پلتفرم‌ها فعالیت‌هایی

دارند، کنش‌ها و واکنش‌هایی

دارند که

یا ناشی از بی‌تجربگی

است، یا ناشی از ناآشنایی با

این قضیه

اگر بخواهیم صحنه را توصیف کنیم، خطای همه این بخش‌ها را باید باهم ببینیم. کم‌تجربگی همه بخش‌ها را ببینیم. پلتفرم‌ها فعالیت‌هایی دارند، کنش‌ها و واکنش‌هایی دارند که با ناشی از بی‌تجربگی است، یا ناشی از ناآشنایی با این قضیه.» او درباره سرگردانی نهاد‌های مسئول مرتبط و بخشی از تشویش که به ناشناخته بودن عرصه نوپدید VOD بازمی‌گردد، نیز اضافه می‌کند: «ساترا هم این‌گونه است و بخشی از فعالیت‌هایش به همین علت است. ورود مجلس به این عرصه نیز همین‌طور، چرا که ما بشدت دچار فقر حقوقی در این عرصه هستیم، شورای عالی انقلاب فرهنگی هم که ورود کرده، سابقه‌ای در این حوزه ندارد. عرصه نوپدید است و باید دلسوزانه و عالمانه به این میدان نزدیک شویم. خاص کشور ما هم نیست، من ۲۰ کشور را در این مورد بررسی کردم، همه آن کشورها این مزایعات را داشتند، برخی هنوز هم دارند، همین دعوی انتقالیکس یا تنظیم‌گرش، در این روزها از این جنس است.»

**تشویش، نه تنها فرادستگاهی بلکه از مبانی تا اجرا جاری است**

این استاد دانشگاه این تشویش و جدال‌های برخاسته از آن را فرادستگاهی دانسته و ادامه می‌دهد: «تجربه تنظیم‌گری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در همه ادوار، تجربه

خوبی نبوده و قابل دفاع نیست، به آقای دکتر صالحی هم که از وزرای ارشاد بودند این را عرض می‌کردم، تنظیم‌گر و نظارتی از عملکرد آنها اگر بخواهیم بگوییم ساترا یک تنظیم‌گر مطلوبی ارائه کرده، از ناآشنایی با این قضیه، بخواهیم بگوییم پلتفرم‌ها خوب عمل کردند، خبر این‌گونه هم نیست، برخی از آنها، الفبای کسب‌وکار رسانه‌ای را نمی‌دانند و عمل نمی‌کنند، متفاوتند، حرفه‌ای‌اند یا آمانور. حتی ما معلمان هم این‌گونه هستیم، دانشگاه هم به اندازه کافی ادبیات و نظریه برای این کار تولید نکرده است، این موضوع را هم در نظر بگیرید. من در چند ماه اخیر، بعد از مصوبه شورای عالی، مصوبات یا استنادی که برای تصویب آماده شده را بررسی کردم، چه مصوبات مجلس و چه شورای عالی فضای مجازی، چه ساترا و چه ساترا و صداوسیما، تبادلات و مکاتباتی بین شورای نگهبان و مجلس، حتی مصوبات وزرا، وقتی این موارد را کنار هم می‌گذارید، تشویش را می‌بینید. حتی فهم خود‌واژه تنظیم‌گری خیلی عجیب است همچنین گفتارها و سخنان برخی از مسئولان در اسناد، ولی حسن کار را هم باید دید. بالاخره حاکمیت، دیرباز از متوجه این تشویش و نقیصه شده است.»

وید پناهلو مدیر مرکز سرپال سوره در جلسه دوم از سلسله نشست‌های دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه، با اشاره به این آشفته‌گی می‌گوید: «در

قرب به اتفاق سکوهای پرمخاطب متعلق به شرکت‌های اپراتور اینترنت هستند که سرمایه‌های کلانی را با جلب مشارکت بنگاه‌های اقتصادی خصوصی، دولتی و خصولتی جذب می‌کنند. در واقع در فضای خلأ قانونی، بازار تا حد ممکن خود را گسترش می‌دهد چرا که به طور طبیعی میل به توسعه دارد.

خیامی درباره اهمیت این امکان‌ها و ضرورت تسهیلگری دستگاه تنظیم‌گر می‌افزاید: «ممکن است اشکالاتی به ساترا بگردید اما اشکالاتی هم باید به دیگران گرفت چرا که لوازم کار تنظیم‌گری را ندارند. فقط هم قانون نیست. الان ساترا بخواهد حمایت کند، چگونه؟ شما با تنظیم‌گران سایر کشورهایی که زودتر از ما به این نقطه رسیدند، مقایسه کنید می‌بینید، واحدهای تنظیم‌گر اختیارات و امکاناتی دارند، با بانک‌ها کار می‌کنند که به کسب‌وکارها کمک کنند، ضمانت اجرایی دارند، حوزه قضایی آن کشور از آن حمایت می‌کند. آرش خوشخو، روزنامه‌نگار و منتقد فیلم و میهمان دیگر نشست دوم نیز در ارتباط با احتمالی که مشخص نبود رویکرد کسب‌وکار یا فرهنگی به فرایندها وارد می‌کند، توضیح می‌دهد: «ما یک کار فرهنگی داریم و یک کار اقتصادی؛ در فعالیت اقتصادی، شما یک مشتری، یک کارفرما و یک صنف دارید؛ معمولاً باید مشتری را راضی کنید و هر چند مشتری را بیشتر راضی کنید کارفرما هم راضی‌تر است.

اما در کار فرهنگی ما، ماجرا فرق می‌کند. مشتری اصلاً در جمهوری اسلامی خیلی مهم نیست، چون فرهنگش تحت یک چهارچوب‌هایی قرار می‌گیرد. حتی کارفرما خیلی مهم نیست. یک جاهای دیگری باید از شما راضی باشند تا بگوییم این کار خوب انجام می‌شود یا نه؛ این مشکل اصلی است که در بنگاه‌های فرهنگی وجود دارد. به نظرم این مسأله در حوزه نمایش خانگی هم هست. مشتری‌های ما باید در یک چهارچوب‌هایی جمع شوند که آن فرق می‌کند، اینجا ما باید قواعد دیگری بگذاریم که طبیعی است. حکومت ما دارای حاکمیت فرهنگی است، بخش بزرگی از انقلاب ما فرهنگی است و کنترل فرهنگی هم روی آن الزامی است؛ یعنی هرچقدر بگویید بازار آزاد کنترل‌ها را بردارید! نمی‌شود، امکان‌پذیر نیست. طبیعتاً یک کنترلی باید وجود داشته باشد. ما سال‌های ۵۶ و ۵۷ را هم دیدیم که در فیلم‌سازی هیچ کنترلی نبود و آن وضعیت افشاح پیش آمد. معنی اش این است که اگر فکری می‌کنید که ما کنترل‌ها را برداریم، این تولیدات به یک سمت قابل قبول و موجهی حرکت می‌کند باید به آن تجربه نگاه کنید تا متوجه شوید که این‌طور نیست و چنین اتفاقی نخواهد افتاد. تجربه سال‌های ۵۶ و ۵۷ ما و ماجرای فیلم‌سازی ما نشان می‌دهد که وقتی کنترل را برمی‌دارید الزاماً معنی یک تولید معنایی تبدیل می‌شود. حتی در آن سال‌ها هم بهترین فیلم‌هایی که ساخته شد با پول دولت و وزارت فرهنگ بود و دفتر فرح و وزارت فرهنگ پول می‌دادند تا آن فیلم‌ها ساخته شوند.»

**نگاه کسب‌وکار یا فرهنگی، دو سازگار اعتمادسازی متفاوت**

اتخاذ رویکرد کسب‌وکار به VODها در لایه مدیریتی بدین معناست که اقتضات دیگران نظیر بده‌بستان‌های مالی میان این حوزه با سایر حوزه‌های سودآور نه تنها مجاز شمرده می‌شود بلکه دستگاه‌ها برای این مسأله تسهیلگری هم می‌کنند. آشفته‌گی از همین‌جا آغاز می‌شود؛ چرا که ما نصف راه را حتی بدون اینکه بخواهیم آمده‌ایم و امروز اکثر

اتخاذ رویکرد کسب‌وکار به VODها در لایه مدیریتی بدین معناست که اقتضات دیگران نظیر بده‌بستان‌های مالی میان این حوزه با سایر حوزه‌های سودآور نه تنها مجاز شمرده می‌شود بلکه دستگاه‌ها برای این مسأله تسهیلگری هم می‌کنند. آشفته‌گی از همین‌جا آغاز می‌شود؛ چرا که ما نصف راه را حتی بدون اینکه بخواهیم آمده‌ایم و امروز اکثر قریب به اتفاق سکوهای پرمخاطب متعلق به شرکت‌های اپراتور اینترنت هستند که سرمایه‌های کلانی را با جلب مشارکت بنگاه‌های اقتصادی خصوصی، دولتی و خصولتی جذب می‌کنند. در واقع در فضای خلأ قانونی، بازار تا حد ممکن خود را گسترش می‌دهد چرا که به طور طبیعی میل به توسعه دارد.

تنظیم‌گر همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین علل ایجاد این تشویش مورد بحث بوده‌ام واقعیت این است که حتی این مسأله هم به خودی خود، یک معلول است و نه علت؛ تغلل دستگاه‌های سیاستگذار و قانونگذار در تدوین مبانی حقوقی و اعطای اختیارات قانونی، عملاً دستگاه تنظیم‌گر نه چندان مقبول این حوزه را که ابتداءه ساکن با انبوهی موانع خودانگیخته روبه‌رو بوده، بی‌سلاح گذاشته است.

محمدصادق علیزاده، روزنامه‌نگار و میهمان دیگر حاضر در نشست اول نیز در این باره می‌گوید: «در حال حاضر همه از تنظیم‌گر توقع دارند اما او نه اختیار، نه اهرم امکانات و نه اهرم قانونی دارد. به دادگاه شکایت می‌کنند، دادگاه قبولش ندارد. دادگاه که می‌گویم دعوی شخصی نیست، دستگاه قضایی نیست، دستگاه قضایی می‌گوید من طبق دعوی حقوقی جلو می‌روم، تو ادعایی داری، مبانی حقوقی را نگاه می‌کنم و می‌بینم چیزی که تو می‌گویی در مبانی حقوقی نیست و رد می‌شود، یعنی آن اختیارات لازم را ندارد. داشتن اختیارات و اعمال آن، جایگاه و سطحی می‌خواهد، ساترا که هیچ، باید فراتر از صداوسیما باشد. خیلی وقت‌ها پلتفرم‌ها گردنکشی می‌کنند، مگر مجبور کردن پلتفرم برای اینکه تن به معیارها و حدود و ثغور قانونی خودش بدهد، لزوماً از راه دعوا و دادگاه و فیلترینگ می‌گذرد؟»

**زیرقوه‌ای بودن باعث واگرایی و بخشی شدن سایر دستگاه‌ها می‌شود**

یکی دیگر از موانع مشهود ایجاد تشویش در حوزه نمایش خانگی، واگرایی دستگاه‌های مسئول و ذریب‌د در مبانی و اجراتیبات آن است. فقدان اتفاق نظر میان مدیران بخش‌های مختلف از یک سو و عدم وجود فضایی برای تعامل سریع، چابک و اثرگذار برای حل و فصل داستان از سوی دیگر، و واگرایی‌ها دامن زده است. بنابراین درحالی که برای رفع این مانع به وجود دستگاهی فراقوه‌ای برای قانع و هماهنگ کردن بخش‌های مختلف نیازمندیم، تعریف کردن نهاد تنظیم‌گر به عنوان یک نهاد کشنده است.

علیزاده در این رابطه تصریح می‌کند: «فلس این ماجرا یعنی دوباره کردن شده و از قافله عقب مانده است. فرهنگ و ارشاد اسلامی متحمل می‌شود و بخشی را صداوسیما، حتماً محل آسیب است و حتماً جایی این دوباره باید یکپارچه شود، این شکل بیرونی ماجرا را کار ندارم اما اگر مرجع صدور تنظیم‌گری محتوا یکپارچه شود این فضایی که درگیر آن هستیم رفع می‌شود.»

خیامی در تأیید لزوم یکپارچه‌سازی تنظیم‌گری، بر امکان همگرایی سه حوزه زیرساخت، خدمات و محتوا در صورت فراقوه‌ای شدن نهاد تنظیم‌گر صحه می‌گذارد و تصریح می‌کند

که «این‌ها را نمی‌توان جدا از هم تنظیم‌گری کرد.»

**اختلال عدم تشخیص کیفیت خوب در بخش‌های خصوصی و دولتی**

کفتمی است که با وجود تمام انتقادات و وضعیت مشوش امروز، کمتر کسی می‌تواند در ضرورت و فواید نمایش خانگی تردید کرده و منکر اهمیت وجود آن شود. خیامی در این باره تصریح می‌کند: «این جزو افتخارات ماست، زمانی مخاطبان ما در شبکه‌های ماهواره‌ای سریال‌هایی می‌دیدند که حقیقتاً قابل دفاع نبود، یادمان نرود شبکه‌های ماهواره‌ای محتواهای فوق‌العاده متفاوت پخش می‌کردند و خود خانواده‌ها به رغم سبک زندگی‌شان آنها را پس زدند. امروز بسیاری از محتواهای نمایشی که مردم ما می‌بینند تولیدات همین سکوهای ماست؛ حتی شبکه‌های ماهواره‌ای هم همین سریال‌ها را پخش می‌کنند، این یک کام به جلو است.»

بنابراین راهی جز عبور از این تشویش و تصمیم‌گیری قاطعانه برای سامان دادن به وضعیت نمایش خانگی وجود ندارد. در عین حال مسئولیت حاکمیت در قبال هدایت فرهنگی جامعه ایجاد می‌کند با تأکید بر کیفیت، راهکارهایی برای فرایندسازی در جهت افزایش کیفیت فرهنگی در کشور در پیش بگیرد. خوشخو در تأیید این راهکار و هم‌سو با پناهلو می‌گوید: «من با آقای پناهلو موافقم که ما باید به سمت مسأله کیفیت برویم. مرتضی آوینی سال ۷۱-۷۰ روی این مسأله خیلی تأکید می‌کرد که اگر می‌خواهیم راجع به هر چیزی صحبت کنیم، اول باید کیفیت آن خوب باشد، بعد راجع به محتوای آن صحبت می‌کنیم. الان در بخش دولتی مشکل ما این است. بخصوص با تلویزیون این مشکل را داریم و بخش‌های حاکمیتی که مسأله کیفیت برای آنها درست‌جا نیفتاده است. تفاوت بین مجری خوب و بد را نمی‌دانند، تفاوت موسیقی خوب و بد را نمی‌دانند.»

پناهلو نیز اختلال تشخیص کیفیت را فرادولتی و غیردستگاهی ارزیابی می‌کند و می‌افزاید: «اوضاع در بخش خصوصی هم خیلی به هم ریخته است یعنی اینطور نیست که ما در پلتفرم‌ها اگر اسمش را بخش خصوصی بگذاریم، با یک سنجنش و فهم درستی نسبت به تولید آثار نمایشی مواجه باشیم. مثلاً یک کار موفق می‌شود یک‌دفعه تمام پلتفرم‌ها آن را تکرار می‌کنند. یعنی تلاش برای تکرار آن موفقیت؛ این نشان از عدم تخصص کافی در این پلتفرم‌ها در نسبت با تولید آثار کیفی دارد. یعنی این اتفاق محدود به بخش دولتی و حاکمیتی نیست و محدود به بخشی از بدنه صدا و سیما هم نیست. شرایط کیفیت آثاری که در این حوزه تولید شده، قبل از اینکه ماجرا به ساترا محول شود، خیلی تفاوت جدی‌ای نداشته است. ما در همان سال‌ها آثاری را داشتیم که اتفاقاً بر لحاظ ممیزی و چهارچوب‌ها قواعد اخلاقی‌ای که مخاطب دنبال می‌کند، یک هنجارشکنی‌هایی داشتند و اتفاقاً این آثار بعضاً با استقبال کمتری مواجه شدند. یعنی آثاری که به لحاظ محتوا، خط قرمزها را شکستند و این چهارچوب‌ها را کمی کنار زدند، اتفاقاً از استقبال کمتری برخوردار شد ند.»

همه این مسائل در حالی رخ می‌دهد که نظام آکادمیک کشور که باید پیشرو و پیشگام بافتن مسائل و طرح و پیشنهاد برای حل آنها باشد، خود به تازگی درگیر این مسائل شده و از قافله عقب مانده است. از سوی دیگر، هنوز هیچ رسانه‌ای بخش نمایش خانگی را به رسمیت نشناخته و این حوزه، هیچ رسانه تخصصی که مورد توجه عامه یا دست‌کم در لایه‌های فعالان آن اثرگذار و دارای جامعیت باشد، ندارد. نبود جشنواره‌ای که مرجعیت داور کیفی و محتوایی در تولیدات نمایش خانگی را در بخش‌های مختلف بر عهده بگیرد، از جمله مشکلات دیگری است که هم زاینده تشویش این حوزه و هم دامن‌زننده به آن است.



وحید پناهلو

مدیر مرکز

سریال سوره:

در داستان

نمایش

خانگی و

پلتفرم‌های

پخش ویدئو

همه ناراضی

هستند یعنی

تولیدکننده

ناراضی است،

نهاد تنظیم‌گر

و نظارتی از

عملکرد آنها

ناراضی است،

مخاطب از

کیفیت آثار

تولیدشده

ناراضی است و

با یک شرایطی

مواجه هستیم

که همه از آن

چیزی که دارد

اتفاق می‌افتد

ناراضی

هستند



برش

آرش خوشخو: ما سال‌های ۵۶ و ۵۷ را هم دیدیم که در فیلم‌سازی هیچ کنترلی نبود و آن وضعیت افشاح پیش آمد. معنی اش این است که اگر فکری کنید که ما کنترل‌ها را برداریم، این تولیدات به یک سمت قابل قبول و موجهی حرکت می‌کند باید به آن تجربه نگاه کنید تا متوجه شوید که این‌طور نیست و چنین اتفاقی نخواهد افتاد. تجربه سال‌های ۵۶ و ۵۷ ما و ماجرای فیلم‌سازی ما نشان می‌دهد که وقتی کنترل را برمی‌دارید الزاماً معنی آن نیست که تولید فرهنگی به یک تولید متعالی تبدیل می‌شود.

**ضعف قانونی ساترا، علتی که خود معلول تشویش در تصمیم‌سازی است**

ضعف اختیارات قانونی دستگاه